پرونده

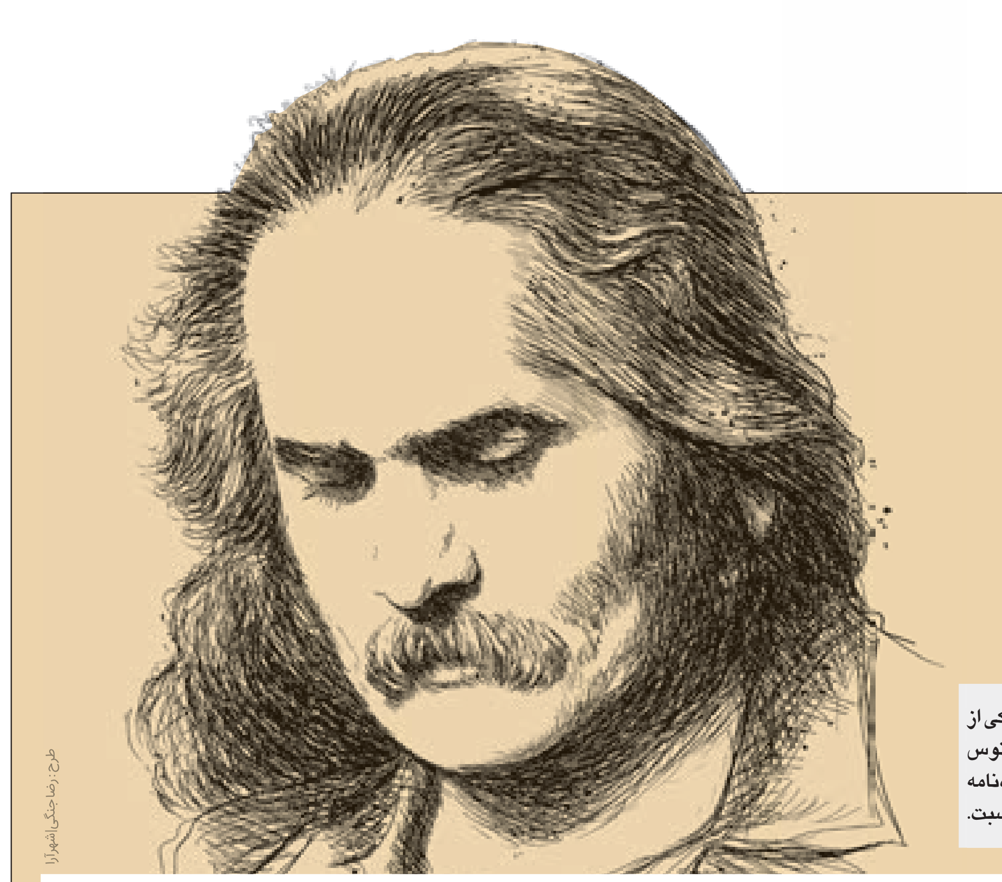
طرح: رضا جنگی/شهرآرا

هنوز «م.امید» می‌خوانیم

پرونده‌ای برای مهدی اخوان ثالث

مهدی اخوان‌ثالث (۱۰ اسفند ۱۳۰۷-۴ شهریور ۱۳۶۹) اگرنه نامدارترین، یکی از نامدارترین شاعران معاصر ایران است، شاعری اهل مشهد یا به قول خودش توس که زادروز او جایگاه ویژه‌ای برای ما ادب‌دوستان همشهری‌اش دارد. این ویژه‌نامه کوچک، یادی دوباره است از بزرگِ شعر معاصر فارسی، م. امید، به همین مناسبت.

بی اخوان راه نیما محو می‌شد

شاپور جورکش از مهدی اخوان ثالث و شعرش می‌گوید

بهاره بوذری| شاپور جورکش، در کتاب معروف «بوطیقای شعر نو»، با نگاهی انتقادی به تفاوت اصلی جهان‌بینی نیما با شاگردان و پیروانش می‌پردازد. او معتقد است از معدود کسانی که به دنبال شعر نیمایی رفتند، یکی اخوان ثالث بود که در شعرهای «کتیبه» و «خوان هشتم» توانست نظریات نیما را اجرایی کند. در گفت‌وگویی که با جورکش داشتیم، او ضمن تبیین این نظر خود، به روزهای تنهایی و غم‌آلود اخوان نیز اشاره می‌کند.

● آقای جورکش، شما در یکی از مصاحبه‌هایتان گفته بودید که اخوان ناخودآگاه راستین‌ترین پیرو نیما بود. لطفا به صورت مصداقی در این مورد توضیح دهید.

همین‌طور است که می‌گویید. اخوان در مقایسه با دیگر شاگردان نیما توانست بهترین نمودهای نظریه تازه استاد را در شعرهایی الگووار برای ما به جا بگذارد و اگر او نبود، می‌توان گفت راه نیما به‌تدریج محو می‌شد. خوشبختانه این الگوها آن‌قدر هست که توانسته است زوایای مختلف نظریه نیما را بازنمایی کند و بهتر از نمونه شعرهای خود استاد نما دهد. چکیده میدان دید تازه نیما این است که شعر به آخر خط رسیده است. از بس شاعران از دید من متکلم وحده حکم صادر کرده‌اند و شعرهایی ذهن‌گرا نوشته‌اند که ابژه خارجی در آن دفرمه شده است. شاعر باید بتواند جای دیگری (اعم از شیء و شخص) بنشیند و از دید او و جهان‌نگری او را به مخاطب منتقل کند. البته اخوان نتوانست به این شکل شسته‌رفته نظریه استادش را بفهمد چون نیما در نوشتن نظریه‌اش، هم به شکلی رمزی آن را کدگذاری کرده بود و هم آن را طوری جسته‌گریخته و تکه‌پاره نوشته بود که درک آن را کمی پیچیده می‌کرد. گویی نیما واهمه داشت که این طرز تازه به دست آنانی بیفتد که استاد نااهلشان می‌شمرد. افرادی چون زنده‌یادان دکتر خانلری و توللی که صرفا بر شیوانویسی و سره‌نگاری تأکید داشتند، سر دوانده می‌شدند. خانلری به نیما نامه‌ای می‌نویسد که بیشتر نوعی ادعانامه است و تا مدت‌ها مضمون همین نامه مستمسک آکادمیسین‌ها و ملانقطی‌ها می‌شود تا بر نیما بتازند و استدلال امثال خانلری را توی سر شعر امروز بکوبند. نیما در جواب خانلری فقط می‌نویسد: «قطار رفته» یعنی تو از قافله عقبی و در جواب فریدون توللی که کاغذ و مداد می‌برد خانه نیما و می‌گوید راست و حسینی بگو حرف حساب طرز نو چیست، شکلک درمی‌آورد، بالای صندلی می‌ایستد و ادا درمی‌آورد. آخر کار هم با کاغذ کاردستی درست می‌کند و می‌دهد دست فریدون خان ولی جواب نمی‌دهد. این کارها زمانی است که دیگر نیما فهمیده در این مرزوبوم تفکر مرده و تقلید تنها راه جواب پس‌داده به جوانان جویای نام است. او با شکلکی که دست فریدون خان می‌دهد، می‌گوید اندیشه‌گری از شماها پنهان! و لیاقت جفت‌وخیزتان همین بازیچه‌ها و بس. تیرها که نیما در راه آن قوم به‌جان‌باخته به چله گذاشته بود، گویی به سنگ درآمده که می‌نویسد من می‌میرم و این نوشته‌ها را عطارها برای پیچیدن چای به کار می‌گیرند. گویی مهم نیست که امروز راه نیما به کمک اشعاری چون «خوان هشتم» یا «کتیبه» شناخته شده یا نه. مهم این است که آکادمیسین‌ها هنوز در هر فرصتی خانلری را توی سر نیما می‌کوبند و شعر مقلد ما راه فردی و کور خود را دنبال می‌کند.

اخوان شاید به ذوق شخصی و به پشتوانه روح حماسی زبان خراسانی شعرهایی سرود که گنجایی نمایشگری داشتند و در نمایش اولین چیز لازم دیالوگ است. به محض نزدیک شدن به دیالوگ، پیشنهادهای نیما لزوم خود را عیان می‌کنند. اخوان در کتاب «بدعت‌ها و بدایع نیما یوشیج» نشان می‌دهد که همان سردرگمی را دارد که دیگرانی دارند که نیما را نخوانده‌اند. او هم بر همان مضمون نامه خانلری تکیه می‌کند و می‌کوشد نمونه‌هایی از شعر کلاسیک ما در تأیید نیما بیابد.

میدان دید تازه نیما بر او روشن نیست اما به شم شاعرانه و پشتوانه زبان پرغنای خراسانی لب کلام و مضمون میدان دید تازه را در شعرهایی درخشان‌تر از شعرهای استادش به ادبیات معاصر عرضه می‌کند. کوچک‌ترین نشانه‌ای از اندیشه محکوم به نبود درک و محدود به نیما و هدایت نیست. اخوان در دفتر شعر «زندگی می‌گوید اما ...» نمونه بارز و قابل اعتنایی ارائه می‌دهد، اما از سوی جامعه ادبی سیل انتقادها به سوی این دفتر که در پختگی شاعر نشر می‌یابد، روان می‌شود. حتی منتقد دقیق و کارآمدی مثل زنده‌یاد محمد حقوقی این دفتر را به این علت که شعر اخوان از روال مألوف و مرسوم پیشین بیرون شده است، جزو کارهای ضعیف او برمی‌شمارد و نفی می‌کند در حالی که دست‌کم می‌شد در این دفتر شخصیت‌پردازی شاتقی را به عنوان کامل‌ترین نمونه شخصیت شعری دانست که میان شعر و نمایش پیوندی بسیار محکم ایجاد می‌کند و این‌گونه شخصیت را الگوی نیمایی برای نسل جوان قرار داد که در آن تقلید کامل از گفتار و کردار شخصیت رعایت شده است. راست اینکه شاتقی چون یک فرد بازاری و در عین حال مسلط به زبان و فرهنگ دینی و غنی است، با آن کلمات سنگین فقهی، هم محور خوبی است برای زبان‌آوری اخوان و هم الگوی بزرگی است برای کسی که بخواهد به درک نیما و میدان دید تازه‌اش دست یابد اما این دفتر شعر میان هیاهو گم می‌شود تا شکاف بین اندیشه‌گری و شناخت و هیجان‌زدگی ملی بیشتر دهان بگشاید. گویی همه چیز باید طابق‌النعل‌بالنعل به روش مألوف و مرسوم پیش برود و کوچک‌ترین تازگی و نوگرایی مورد سوءظن قرار گیرد. درست که شاتقی هم جز همان کلاف عرفان نمی‌بافد که، جز اندک شاعران مستقل و فکور مستقل، همه حلقه‌های شعر می‌بافند اما دست‌کم می‌شد دریافت که این دفتر شعر به‌سادگی می‌تواند راه نیما را در الگویی درخشان‌تر از آثار شعری نیما بازنماید.

● اگر بخواهیم مقایسه‌ای بین اخوان ثالث با دیگر شاعران هم‌عصرش داشته باشیم، شعر اخوان واجد چه ویژگی‌های منحصربه‌فردی است؟

اخوان نقطه التقای ادب سنتی و مدرن است. در همان حال که پویه حماسی فردوسی را در شعر خود دارد، به پاس بازنمایی بهترین الگوهای نیمایی که به شعر دموکراتیک از راه بلندگو دادن به هر پرسونای شعری راه می‌دهد، نمودار بارزترین ویژگی‌های شعر نو هم هست. غیر از شعرهای روایی، شعرهای وصفی اخوان ثالث هم توصیه‌های استاد را از لحاظ درست دیدن و وانمودن ابژه نشان می‌دهد. به جای اینکه بخواهیم از راه نثر تعقیددار نیما به درک لزوم شعر نو برسیم، می‌توان از طریق تحلیل شعری از اخوان که در آن کفتربازی را تصویر می‌کند، به روشنگری «وصف حقیقی» نیما رسید. در واقع، اگر نظریه‌های نیما را درسنامه بگیریم، شعرهای اخوان تمرین‌نامه آن درس‌ها هستند، در حالی که در شاعرانی چون شاملو، فروغ و آتشی گهگاه شعری می‌یابیم که بتوانند کاملا نیمایی باشند. راه نیما به‌تمام در شاعران هم‌دوره اخوان جریان نیافت. آنان به قول محمد مختاری «هر یک با زاویه‌ای» راه نیما را پیمودند و این زاویه جز در زمینه عروض تازه نبود. آنان در راه روشنگری تازه چیزی به «حرف‌های همسایه» نیفزودند، بلکه بیشتر پیرو بودند. اخوان اما جز پیروی و ادامه، چیزی افزود.

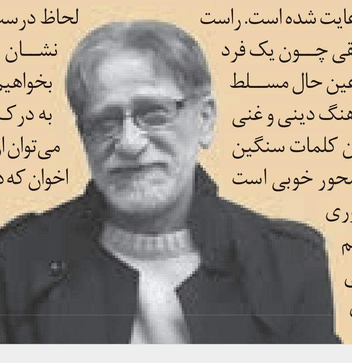

● به نظر شما فعالیت‌هایی چون نام‌گذاری یکی از خیابان‌های مشهد به نام مهدی اخوان ثالث، چقدر می‌تواند بر شناخت جایگاه هنرمند معاصر ایران مؤثر باشد؟

خیلی خوب است که خیابانی را به نام او کردند. دستشان درد نکند. این نام‌ها دست‌کم در دهان می‌چرخند. فلکه مصدق (میدان مصدق در شیراز) بارها در برزنگاه‌های مختلف با پلاک و تابلو به نام‌های دیگر درآمد ولی باز در دهان مردم همان مصدق ادا شد. در این مورد هم اگر مردم استقبال کردند می‌ماند. هرچند شاعر در آخر عمر دلزده و بی‌حوصله، شاید از تنگنای معاش یا نمی‌دانم، سرایی ساده از این جهان تنگ‌چشم دیده بست. من در آخرین روزهای امید شاید سی‌ساله بودم و رفته بودم تهران در خانه زنده‌یاد علی گودرزی. دست‌نویس دفتر «هوش سبز» هنوز دستم بود. علی به من گفت برویم سراغ امید که با علی دوستی داشت. زنگ زدم خانه‌اش و گفتم: از شیراز آمده‌ام. کاش اجازه بدهید حضورتان بیایم و شعرم را بخوانم. گفت: نه دیدار من کسی را شاد می‌کند، نه دیدار کسی مرا شاد می‌کند. علی گفت بارها که پیشش می‌روم، تلخ گریه می‌کند. هرچند شاعر جماعت خودش را هدیه خدایی می‌داند و کلامش را آسمانی، اخوان به‌راستی در ادبیات ما حق آب و گل داشت و رفتنش نشانی داشت از ناکامی خرد و درماندگی فرهنگ.

شاعری بی‌نیاز از هر رنگ و جَرَنگِ دینار و دَرَم*

قاسم آهنین‌جان| [...] بسیار شنیدم شعر زمستان را از کسانی که هرگز نام شاعرش را ندانستند، و این یعنی دیگر حتی خود شاعر هم در میان نیست و هیچ حائل نیست. تنها شعر است و مخاطب، و شگفتا از شعر که چقدر مؤثر باید که به کار آید به وقت درد و تألم، به وقت عشق و مصیبت و سوگ و فراق. و این چه بود جز کارکرد شعری که بَدَل به فرهنگ شد و جاری بر زبان خاص و عام، و در این شدن بود که شاعر به نفع شعرش به تحلیل بود و فنای خویش و از همین روی خود را خطاب کرد تکه ابر آفاق نومیدی.

***

در این ذوب شدن به شعر و فنای به شاعری، اخوان ثالث سخت در مضیقه است به لحاظ معاش. کارش را که معلمی است از دست می‌دهد. بیکار می‌شود، و مدتی با ابراهیم گلستان و فروغ فرخزاد همکار می‌شود در استودیوی فیلم‌سازی و بعدها به آبادان می‌آید. از سردسیر خراسان به جایی می‌آید که تقویمش زمستان برده از یاد، خوزستان. در تلویزیون آبادان مشغول می‌شود. وجود و حضورش مغتنم است و تأثیرگذار. به طور منظم برنامه‌اش پخش می‌شود.

***

با آن همه همت و آثار به شاعری، با آن همه محبوبیت، هرگز نه آموزشگاه دایر کرد و نه کلاس و به قول امروزی‌ها کارگاهی به نفع پول و درآمد به نام شعر و شاعری. بسیار مراقب خصلت‌هایش خاصه صداقتش بود. در مرام و رفتارش، گول و فریب راه نداشت، و راستی مبنای هر رفتار و انگیزه بود برایش، تراز او در شعر و رفتار شاعر، نیما بود، نیمایی که خطابش می‌کرد: بزرگوار یوش یا مرد مردستان. علاقه به موسیقی را در مسیر تعالی شعرش به کار گرفت. تسلطی بی‌بدیل بر مسائل نظری شعر داشت. ادبیات گذشته را به کفایت و کامل می‌شناخت، و عارفی به عیار بالا بود و ثمرِ همه این‌ها شد شعری که به قول خودش: با دل مردم کار دارد.

[...] و من به یاد می‌آورم کلامی از رومن رولان در ژان کریستف، آنجا که می‌گفت با جرنگ جرنگ سکه‌های طلا در جیب نمی‌توان خواستار آرامش روح بود، و همین منظور را چه عالی بیان کرد اخوان ثالث به سالیانی دور برای ماوقتی که گفت: کسانی که غرق در کاسبی هستند از شعر لذت نمی‌برند و آدمیانی این‌چنین به شعر نااهل‌اند.

***

شوق و فریادی بود در او همیشه، و این شوق و فریاد، رنج‌ها و زندان‌ها فراهم کرد برایش تا آنجا که سیگار روی دستش خاموش کردند، با چکمه و نعل آهنین بر قلم پایش کوبیدند که آثار این‌ها را همیشه با خود داشت، و این‌ها همه را تحمل کرد که تا پرداخته باشد بهای شعرش را به تمام و کمال، و می‌گفت: بیرون که می‌آمدم زندان فراخ‌تری در انتظار بود. و التیام همه این دردها و رنج‌ها در مواجهه با مردم حاصل می‌شد، آنگاه که شخصی ناآشنا پس از سلام و علیکی می‌گفت: زمستان است، هوا بس ناجوانمردانه سرد است. و این به حق و تمام، مزدی بود که پرداخت می‌شد بر مهدی اخوان ثالث، از سوی مخاطبش. شاعر شاد و مشعوف از این بَدَل توجه مخاطب، یعنی مخاطب محض، یعنی مردم، بی‌نیاز از هر رنگ و جَرَنگِ دینار و دَرَم می‌شد.

**این متن برشی کوتاه است از یادداشت بلند شاعر پیشکسوت، آقای آهنین‌جان.*

«زمستان» به‌روایت داد و بیداد

یوسف بینا| دهم اسفند زادروز مهدی اخوان ثالث (م. امید) شاعر نام‌دار معاصر است. اخوان ثالث که می‌توان او را بزرگ‌ترین شاعر معاصر ایران نامید، نیاز به معرفی ندارد و فارسی‌زبان‌های امروز ایران و دیگر کشورهای فارسی‌زبان همه با او آشنایند و سطرهایی از چند شعر او را ورد زبان دارند. می‌دانیم که بسیاری از شاعران هستند که با یک شعر خاص شناخته می‌شوند، اما اخوان ثالث از آن دست شاعران است که توانسته است با چندین شعر جاودانه به ذهن و زبان ایرانیان راه یابد و در ضمیر فارسی‌زبان‌های امروز تبدیل به شاعری ماندگار شود. بی‌تردید یکی از آن اشعار شعر «زمستان» اخوان ثالث است که شهرتی عالم‌گیر دارد: «سلامت را نمی‌خواهند پاسخ گفت/ سرها در گریبان است...» تا آنجا که «مسیحای جوانمرد من ای ترسای پیر پیرهن‌چرکین/ هوا بس ناجوانمردانه سرد است آی/ دمت گرم و سرت خوش باد/ سلامم را تو پاسخ گوی، در بگشای...» اکنون سخن بر سر ارزش‌های ادبی این شعر عالی نیست، بلکه می‌خواهیم از ۲ شاهکار موسیقی ایرانی سخن بگوییم که روی این شعر آهنگ‌سازی و اجرا شده است و یکی را با صدای استاد محمدرضا شجریان و دیگری را با صدای شهرام ناظری بارها و بارها شنیده‌ایم. آلبوم «زمستان» با آهنگ‌سازی محمدرضا درویشی و آواز شهرام ناظری روی شعر «زمستان» مهدی اخوان ثالث در سال ۱۳۶۹ ساخته و اجرا شد و در سال ۱۳۷۰ به بازار موسیقی آمد. محمدرضا درویشی آهنگ این آلبوم را برای اجرای ارکسترال نوشته است و ملودی بخش‌های آوازی آن نیز ساخته شهرام ناظری است. نکته درخور توجه در این اجرا از شعر «زمستان» این است که در فواصل سکوت سازهای ارکستر، دکلمه شعر «زمستان» با صدای مهدی اخوان ثالث آورده شده و بر جذابیت‌های این اثر افزوده است. آلبوم «زمستان است» نیز با آهنگ‌سازی حسین علیزاده و آواز استاد محمدرضا شجریان در سال ۱۳۷۹ در کنسرت کالیفرنیا اجرا و ضبط شد و در سال ۱۳۸۰ به بازار موسیقی آمد. حسین علیزاده آهنگ این آلبوم را روی شعر «زمستان» مهدی اخوان ثالث در مقام «داد و بیداد» ساخته و اجرا کرده که این مقام از جمله نوآوری‌های این آهنگ‌ساز شهیر در عرصه موسیقی ایرانی است. استاد شجریان نیز آواز این آلبوم را در «درآمد ماهور»، «بیداد»، «گشایش»، «داد»، «عشاق»، «بیات راجعه» و «عراق» اجرا کرده است. علاوه بر استاد محمدرضا شجریان که خواننده و حسین علیزاده که آهنگ‌ساز و نوازنده تار است، کیهان کلهر به‌عنوان نوازنده کمانچه و همایون شجریان به‌عنوان نوازنده تمبک و هم‌خوان در این آلبوم حضور دارند.

یادمان

۸۱ سال زندگی، ۸۰ کتاب

درباره نخستین قربانی کرونا از جمع اهالی قلم، استاد خسروشاهی

خراسانی| نخستین قربانی کرونا از جمع اهالی قلم درگذشت. حجت‌الاسلام‌والمسلمین سید هادی خسروشاهی، نویسنده، پژوهشگر و تاریخ‌دان، یک روز پس از بستری شدن در بیمارستان مسیح دانشوری به سبب ابتلا به بیماری کرونا، جان به جان‌آفرین تسلیم کرد. از شادروان خسروشاهی بیش از ۸۰ تألیف و ترجمه به زبان‌های فارسی و عربی به جا مانده است. این علاوه بر مقالات بسیاری است که در نشریات ایران و جهان اسلام منتشر کرده است. نکته شایان توجه دیگر این است که او در کنار فعالیت‌های فرهنگی، پیشینه سیاسی پررنگی نیز دارد که شاید نتوان آن را از سوابق فرهنگی‌اش تفکیک کرد. فعال مبارز علیه رژیم پهلوی در سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، نماینده امام خمینی (ره) در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به مدت ۲ سال، سفیر وقت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان از سال ۱۳۶۰ برای ۵ سال، رئیس نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در قاهره به مدت ۳ سال، مشاور وزیر امور خارجه در دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی عنوان‌هایی است که در کارنامه او دیده می‌شود.

● از تبار علم و تقوا

سید هادی خسروشاهی در سال ۱۳۱۷ در تبریز و در خاندانی روحانی و دانشور چشم به روی دنیا باز کرد. پدرش آیت‌ا... سید مرتضی خسروشاهی (عالم و مرجع تقلید) فرزند آیت‌ا... سید احمد خسروشاهی (از عالمان عصر مشروطه) فرزند آیت‌ا... سید محمد خسروشاهی (عالم و از شاگردان ممتاز شیخ مرتضی انصاری) فرزند آیت‌ا... سید علی خسروشاهی (عالم و فقیه برجسته) فرزند آیت‌ا... سید ابوالحسن خسروشاهی (عالم و فقیه برجسته) است. در کتاب «آثارالحجه» مرحوم شیخ محمد رازی درباره این تبار آمده است: «تمامی اسلاف این خاندان به تقوی و علم و پرهیزکاری و طهارت و پاکی و ایثار و بذل در راه دعوت به خدا و ارشاد مردم به تعالیم اسلامی معروف‌اند و چرا چنین نباشد در حالی که آنان از خاندان اهل بیت(ع) هستند و نسب آنان به امام حسین بن علی بن ابی‌طالب (ع) می‌رسد.»

● پژوهشگر مبارز

سید هادی تحصیلات خود را در تبریز و قم دنبال کرد و از محضر استادانی چون آیت‌ا... بروجردی، امام خمینی(ره)، آیت‌ا... شریعتمداری و علامه طباطبایی بهره برد. او درجه اجتهاد و اجازه نقل حدیث را از علما و مراجع بزرگ نجف و قم و مشهد دریافت کرد. آن مرحوم به‌جز غور در مسائل دینی و فقهی متعارف در کسوت طلبگی‌اش علاقه ویژه‌ای به اندیشیدن و نوشتن درباره مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی جامعه اسلامی داشت که حاصلش پژوهش‌ها، تألیفات و ترجمه‌های بسیار در قالب مقاله و کتاب شد.

در این میان، از سال ۱۳۳۲ پس از آشنایی نزدیک با آیت‌ا... کاشانی، آیت‌ا... طالقانی و شهید نواب صفوی وارد عرصه فعالیت‌های سیاسی شد که پیامد آن تحمل زندانی یا تبعیدشدن‌هایی بود که آخرین موردش تبعید به انارک یزد به مدت ۳ سال در کنار مرحوم آیت‌ا... پسندیده و آیت‌ا... ناصر مکارم شیرازی بود.

● یک عمر همراهی با قلم

شادروان خسروشاهی پس از پیروزی انقلاب اسلامی در سِمَت‌های گوناگونی با انقلاب همراه شد که نمایندگی امام (ره) در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سفارت جمهوری اسلامی ایران در واتیکان و ریاست نمایندگی جمهوری اسلامی ایران در قاهره و مشاورت وزیر امور خارجه شاید مهم‌ترین آن‌ها باشد. او در ضمن این سمت‌ها خدمات فرهنگی گوناگونی ارائه کرد که از آن جمله می‌توان به تأسیس «مرکز فرهنگی اسلامی اروپا» در رم و ۲ ماهنامه انگلیسی‌زبان «اینکوایری» (Inquiry) و افریکن‌ایونتس (African Events) و هفته‌نامه عربی «العالم» در لندن و چاپ و نشر ترجمه قرآن مجید و نهج‌البلاغه به زبان ایتالیایی و نشر ماهنامه «جهان نو» به ایتالیایی و زمینه‌سازی و پیگیری انتشار ۱۶۲ کتاب و نشریه به زبان‌های فارسی، عربی، انگلیسی، ایتالیایی و فرانسوی در سراسر جهان اشاره کرد. یکی از فعالیت‌های او تلاش در راستای تقریب مذاهب بود که در این باره «نهج البلاغه» را با مقدمه خود و شرح شیخ محمد عبده، «اهل البیت فی مصر»، «صحیفه سجادیه»، «حقیقه علاقه عبدالناصر بالثوره الاسلامیه فی ایران»، «عبدا... بن سبا بین الواقع و الخیال»، «ادعیه اهل البیت»، «الامام علی بن ابی‌طالب»، «الامام الحسین»، «الامام جعفر الصادق»، «الطریق الی مذهب آل البیت» و «عقیدتنا» را در مصر انتشار داد.

استاد کتاب‌های متعددی را با تألیف و ترجمه و تحقیق خود منتشر کرده است که از نمونه‌های شاخص آن‌ها می‌توان ترجمه و تحقیق «امام علی، صدای عدالت انسانی» نوشته جرج جرداق و تدوین و تحقیق و نشر مجموعه آثار سید جمال‌الدین حسینی (افغانی) و مجموعه «حرکت‌های اسلامی معاصر» و «اسناد نهضت اسلامی ایران» و «مجموعه آثار استاد علامه طباطبایی» را نام برد که هریک در جلدهای متعدد عرضه شده یا در دست چاپ است. سید هادی خسروشاهی افزون بر زبان فارسی، عربی، ترکی آذری و ترکی استامبولی، با زبان‌های انگلیسی و ایتالیایی هم آشنایی داشت.

● تسلیت در حدیث دیگران

پس از درگذشت استاد خسروشاهی در روز پنجشنبه، ۸ اسفند، هم‌زمان با سالروز شهادت حضرت امام علی‌النقی(ع)، شماری از اهالی فرهنگ و سیاست پیغام‌های تسلیتی صادر کردند. محسن حسام‌مظاهری، نویسنده و پژوهشگر مطالعات اجتماعی تشیع و انقلاب و جنگ، نوشت: «تقدیر این بود که نخستین قربانی کرونا از روحانیون سرشناس، مرحوم سید هادی خسروشاهی باشد، نویسنده، تاریخ‌نگار، مترجم، دیپلمات و فعال فرهنگی‌سیاسی به‌ویژه در دهه ۴۰. خسروشاهی در تاریخ معاصر مرد میانه‌ها بود. در زمانه دوقطبی شدن همه‌چیز توانسته بود جمع اضداد باشد و قطب‌های مخالف را به هم برساند: هم شیفته سید جمال و نواب بود هم مروج موسی صدر، هم از اصحاب خاص آیت‌ا... شریعتمداری بود هم از یاران آیت‌ا... خمینی، هم همراه مکارم و سبحانی و چند نفر دیگر جزو تحریریه نخست «مکتب اسلام» (نشریه غیرسیاسی حوزه) بود هم همراه هاشمی رفسنجانی جزو مؤسسان نشریه «بعثت» (ارگان طلاب مبارز حوزه قم)، و بالاخره هم از مدیران «دارالتبلیغ اسلامی» بود هم از مؤسسان «مؤسسه در راه حق». مرد دنیادیده و سردوگرم‌چشیده‌ای بود و حافظه قوی و قدرت روایتگری بالایی داشت. ...»

محمدکاظم کاظمی، شاعر و پژوهشگر ادبیات و از فرهیختگان افغانستانی ساکن مشهد، استاد را «پژوهشگر پرکار و منادی وحدت» خواند و نوشت: «... من در جایگاهی نیستم که این شخصیت گران‌قدر را معرفی کنم. فقط از جایگاه یک مهاجر افغانستانی، به ۲ موضوع در مورد ایشان اشاره می‌کنم. یکی تألیف کتاب «نهضت‌های اسلامی افغانستان» که در سال ۱۳۷۰ از سوی دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی منتشر شده است. من که در این سال‌ها ویراستار کتاب‌هایی در حوزهٔ تاریخ معاصر افغانستان بوده‌ام، در بیشتر این آثار ارجاعاتی به این کتاب ارزشمند دیده‌ام. گفتنی است که این کتاب در سال ۱۳۹۲ در اولین دوره جایزه کتاب بلخ که به کتاب‌های منتشرشده درباره افغانستان اختصاص داشت، برگزیده شد. موضوع دیگر اینکه مرحوم سید هادی خسروشاهی از منادیان تقریب و وحدت میان مذاهب اسلامی بوده و از این جهت نیز آرا و آثار او برای همه جامعه اسلامی، به‌خصوص کشور ما، افغانستان، که به خاطر اختلافات مذهبی صدمات بسیاری خورده است، سودمند است. ...»

همچنین در پیام مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر آمده است: «آنچه از او بر جای مانده کارنامه‌ای پربار از افتخارات و اقدامات درخشان علمی و فرهنگی و سیاسی و اعتقادی است که سختی نبودنش را برای اهل علم و تحقیق دوچندان می‌کند.»

شخصیت‌های سیاسی کشور نیز پیام‌هایی دراین‌باره منتشر کردند از جمله حجت‌الاسلام‌والمسلمین دکتر حسن روحانی، رئیس‌جمهور: «... این روحانی فرهیخته و فعال که از نقش‌آفرینان نهضت اسلامی بود، پس از پیروزی انقلاب اسلامی تمام عمر خود را وقف ترویج و تبیین فرهنگ و معارف اسلامی، تقریب مذاهب اسلامی و انجام فعالیت‌های مختلف فرهنگی، تاریخی و مطبوعاتی کرد، و آثار علمی و فرهنگی ارزشمندی از خود بر جا گذاشت. ...»

دکتر سید عباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، هم مرحوم خسروشاهی را «پرورش‌یافته خانواده‌ای آراسته به دین، علم و فقاهت» خواند که «در سال‌های مبارزه علیه رژیم استبدادی و پس از پیروزی انقلاب اسلامی، همواره در صدور پیام انقلاب و ارتقای جایگاه دین و قرآن در جهان ایفای نقش نمود».

خسروشاهی، مصلح مظلوم

رضا سلیمان نوری| شرایط خاص این روزهای کشور باعث شده است برخی وقایع که در زمان‌های عادی بسیار مهم‌اند و در صدر اخبار قرار می‌گیرند، تا حد بسیاری از نظرها دور بمانند. واقعه در صورتی که مرتبط با فوت فردی باشد و آن هم مرتبط با کرونای خانمان‌برانداز کنونی، به واسطه گم شدن لابه‌لای اخبار مشابه، بیشتر به محاق می‌رود. بارزترین نمونه، درگذشت عالم جلیل‌القدر و نویسنده توانای معاصر استاد سید هادی خسروشاهی است، بزرگ‌مردی که پنجشنبه گذشته در حالی به دیدار معبود رفت که تنها یک روز از انتقال او از قم به تهران و بستری شدن در بیمارستان مسیح دانشوری برای کنترل بیماری با نظارت پزشک مورخ معاصر، دکتر علی‌اکبر ولایتی، می‌گذشت. و اما چرا سید هادی خسروشاهی تا این حد مهم است که مدعی هستم درگذشت وی در هجوم اخبار خاص کرونا گم شده و آن‌گونه که باید و شاید این واقعه مورد توجه اهل رسانه قرار نگرفته و در نتیجه، بسیاری از مردم از آن غافل هستند؟ معدود انسان‌هایی را می‌شود معرفی کرد که وقتی امکان رسیدن به قله حوزوی بودن را دارند، بر اساس نیاز جامعه و نه دل خود و هواداران عمل کنند و پا در راهی دیگر گذارند. به عبارت دیگر، سید هادی خسروشاهی به‌واقع محمدتقی شریعتی مزینانیِ دیگری بود. همان‌گونه که می‌دانید، استاد شریعتی در سال‌های آغازین دهه ۲۰ با کنار گذاشتن لباس روحانیت و مکلا شدن به جنگ خرافات و کمونیسم رفت و توانست با تغییر ظاهر، بسیاری از مردم و جوانان را از ورطه فرو رفتن در تحجر یا فراموشی دین برهاند. او که به زعم آیت‌ا... بروجردی می‌توانست یکی از مراجع دینی تشیع شود، تا جایی بر راه خود یعنی استفاده از لباسی غیرروحانی برای روشنگری و هدایت مردم اصرار کرد که حتی پیشنهاد مرجعیت جامع وقت برای بازگشت به لباس روحانیت و قرار گرفتن در جامه یک آیت‌اِ... مدرس و خط‌دهنده حوزه را نپذیرفت. این ماجرا برای استاد خسروشاهی هم البته به گونه‌ای دیگر تکرار شد. او که از خاندانی کاملا روحانی بود و اجدادش از مراجع زمان خود محسوب می‌شدند و خودش نیز از طرف بزرگانی چون آیات عظام امام خمینی(ره)، سید ابوالقاسم خوئی، سید شهاب‌الدین مرعشی، سید محمدهادی میلانی، شیخ آقابزرگ تهرانی، شیخ مرتضی حائری، سید احمد زنجانی، میرزا عبدالجواد جبل‌عاملی و میرزا ابوالفضل زاهدی قمی مجتهد محسوب می‌شد و اجازه نقل حدیث داشت، در برهه‌ای از زمان، از میان حوزوی کامل ماندن و به بحث و تدریس حوزوی پرداختن و بعدها مرجع تقلید شدن و هدایت دینی بخشی از جامعه شیعه را بر عهده گرفتن، و یا روشن‌فکر دینی شدن و به تصحیح فضای کلی جامعه همت گماشتن و در برخی موارد حتی با نظام وقت در افتادن به این نیت که فاصله‌گرفتگان از دین را با دین آشتی دهد و رویه‌های مغفول دین در طول زمان را زنگار بزداید و زنده کند، راه دوم را برگزید، راهی که هرچند به‌مراتب سخت‌تر و جان‌فرساتر از راه نخست بود، از سید هادی خسروشاهی، طلبه پرتلاش حوزه، استاد سید هادی خسروشاهی ساخت، مردی که در سال‌های مبارزه‌اش، بسیاری از مردم با نوشته‌های او از تلاش‌های سایر خلق‌ها برای رهایی از بند زور و ستم حاکمان آگاه شدند. این آگاهی، خود، زمینه‌ساز پا گذاشتن آنان در مسیر مبارزه با رژیم وقت شد و بدین‌گونه قلم سید هادی خسروشاهی به قلمی مجاهدپرور تبدیل شد. البته استاد فراتر از این بود و از مبارزه مستقیم علیه رژیم وقت فراموش نمی‌کرد. گواه این امر نامه سرگشاده‌ای است که او در دوران جوانی با استفاده از فتاوای علما علیه فعالیت اقتصادی بهاییان منتشر کرد و همین امر بازداشت موقتش را به دنبال داشت، بازداشتی که بارها تا انقلاب تکرار شد و آخرینش تبعید سه‌ساله به انارک یزد بود. موارد بالا تنها بخشی از خدمات استاد خسروشاهی به ایران اسلامی بود زیرا او در سال‌های پس از انقلاب و آن هنگام که احساس کرد بسیاری از مردم تحت تأثیر عوامل مختلف فرهنگی اجتماعی و البته جو خبری حاکم بر رسانه‌های کشور، شخصیت‌های مهم فرهنگی، اجتماعی، مذهبی و سیاسی معاصر را به‌درستی نمی‌شناسند و پندارهای نادرستی درباره آنان دارند، بر خود واجب دید آنچه درباره این شخصیت‌ها می‌داند در قالب مجموعه کتاب‌های «حدیث روزگار» برای اطلاع عموم منتشر کند. در این مجموعه بیست‌وشش جلدی بسیاری از ناگفته‌ها درباره شخصیت‌هایی چون آیت‌ا... خامنه‌ای، سید جلال‌الدین آشتیانی، امام موسی صدر، ابراهیم یزدی و هاشمی رفسنجانی گفته شده است. این اقدام جهادگونه استاد خسروشاهی که البته با بی‌مهری‌های فراوانی هم روبه‌رو شد، واقعیات بسیاری را که برخی سال‌ها درصدد پوشاندن آن‌ها برای هدایت جامعه به سمت خواسته‌های خود بودند عیان کرد تا حدی که از این مجموعه کتاب می‌توان به عنوان «روشنای بیداری» جوانان پس از انقلاب نام برد.

استاد خسروشاهی در جریان تلاش برای تقریب مذاهب اسلامی هم یک آیت‌ا... واعظ‌زاده خراسانی بود. او در راه همراه کردن مسلمانان جهان و دور کردن آنان از چنددستگی و فرصت‌سوزی، چه قبل از انقلاب چه بعد از آن، تلاش بسیار کرد. مکاتبات او با علامه شیخ محمدتقی قمی، مؤسس دارالتقریب قاهره، گواه این سابقه بلند است. در این راستا، استاد با بیشتر حرکت‌های اسلامی معاصر و رهبران آن‌ها در سراسر جهان اسلام، ارتباط و پیوند نزدیکی داشته است. او سال ۱۳۵۲ خورشیدی «مرکز بررسی‌های اسلامی قم» را به ثبت رساند و در سال ۱۳۶۱، «مرکز فرهنگی اسلامی اروپا» را در رم تأسیس کرد. هر یک از این ۲ مؤسسه ده‌ها کتاب ارزشمند در زمینه‌های اسلامی، از جمله قرآن مجید و نهج‌البلاغه، را به زبان‌های عربی، انگلیسی، ایتالیایی، آلمانی و ... منتشر کرده‌اند. هریک از این فعالیت‌های مصلحانه استاد خسروشاهی ارزش آن را دارد که به احترام مجری آن‌ها خبردار بایستیم. یادش تاهمیشه سبز.

زندگی با سینما

دایرةالمعارف سینمای ایران

نگاهی به چند دهه فعالیت فریدون جیرانی سینماگر خراسانی، به‌مناسبت زادروزش

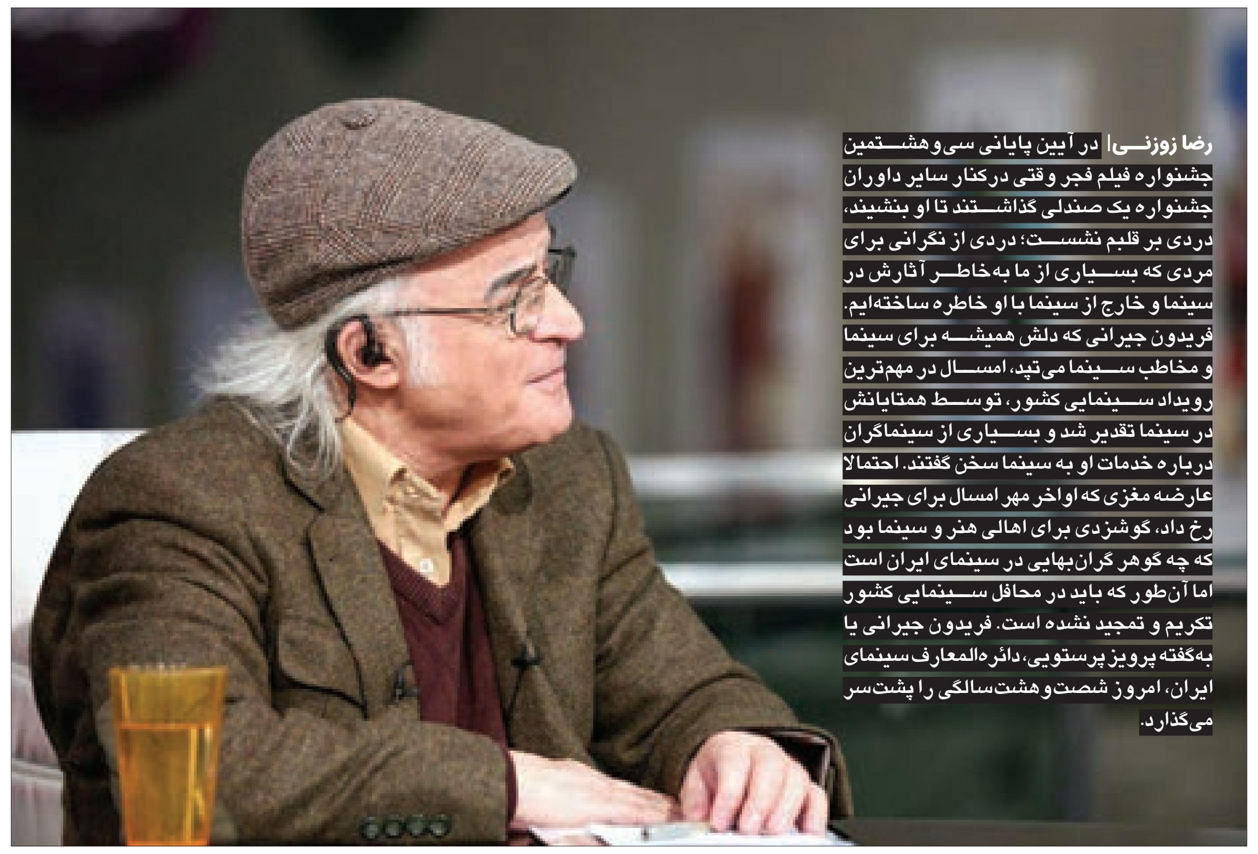

رضا زوزنی| در آیین پایانی سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر وقتی درکنار سایر داوران جشنواره یک صندلی گذاشتند تا او بنشیند، دردی بر قلبم نشست؛ دردی از نگرانی برای مردی که بسیاری از ما به‌خاطر آثارش در سینما و خارج از سینما با او خاطره ساخته‌ایم. فریدون جیرانی که دلش همیشه برای سینما و مخاطب سینما می‌تپد، امسال در مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور، توسط همتایانش در سینما تقدیر شد و بسیاری از سینماگران درباره خدمات او به سینما سخن گفتند. احتمالا عارضه مغزی که اواخر مهر امسال برای جیرانی رخ داد، گوشزدی برای اهالی هنر و سینما بود که چه گوهر گران‌بهایی در سینمای ایران است اما آن‌طور که باید در محافل سینمایی کشور تکریم و تمجید نشده است. فریدون جیرانی یا به‌گفته پرویز پرستویی، دائره‌المعارف سینمای ایران، امروز شصت‌وهشت‌سالگی را پشت‌سر می‌گذارد.

جیرانی که به گفته خودش، دوران کودکی و بخش‌هایی از نوجوانی‌اش را در کاشمر (یکی از شهرهای خراسان رضوی) سپری کرده است، از نوجوانی به مشهد آمده و تمام خاطراتش از این شهر حتی چراغ‌های نئون سینماهای خیابان ارگ را در ذهنش نگه داشته است. غلامرضا موسوی، سینماگر همشهری‌اش، بر این باور است که این ویروس سینماییِ فریدون جیرانی بوده که بسیاری از هنردوستان مشهدی را به سینما و تئاتر مبتلا کرده است.

جیرانی یکی از مفاخر فرهنگی‌هنری مشهد و خراسان رضوی است که به‌جرئت می‌توان گفت در همه سال‌های فعالیتش بار بخشی از سینمای ایران را به دوش کشیده است. او در طول حیات هنری‌اش هم فعالیت مطبوعاتی کرده است؛ هم در قامت یک فیلم‌ساز حضور داشته و نیز همواره به‌عنوان یک فیلم‌نامه‌نویس حرفی برای گفتن داشته است. همچنین در تولید برنامه‌های تلویزیونی سینمایی علاقه نشان داده است، از این رو هرچند جیرانی یک سینماگر تمام‌عیار است، نمی‌توان از تلاشی که چه در مطبوعات و چه در تولید برنامه‌های تلویزیونی کرده است، چشم‌پوشی کرد.

● طبع مطبوعاتی یک سینماگر

با اینکه او خود را بیشتر فیلم‌ساز و فیلم‌نامه‌نویس می‌داند، به گواه تاریخ، فعالیت مطبوعاتی‌اش زودتر بروز کرده است. جیرانی در مصاحبه‌ای که برای بزرگداشت او ضبط شده، گفته است فعالیت مطبوعاتی‌اش را به‌عنوان گزارشگر از میانه سال ۱۳۵۵ در روزنامه «اطلاعات» آغاز کرده اما از سیر پیشرفتی که در مطبوعات داشته است، مشخص می‌شود او از جوانی سودای سینما را در سر می‌پرورانده است. بعد از آن، فعالیت مطبوعاتی‌اش را با هفته‌نامه «گزارش فیلم» و هفته‌نامه «سینما» ادامه داده است. جیرانی اواخر دهه ۷۰ مدتی روزنامه‌ای را به نام «سینما» راه می‌اندازد و بر صندلی سردبیری تکیه می‌زند. او در همه این سال‌ها که سرش به فیلم و سریال گرم بوده، مطالبی را برای نشریات و روزنامه‌های مختلف می‌نویسد. جیرانی در گفت‌وگویی که در ویژه‌نامه جشنواره فیلم فجر امسال منتشر شد، گفته است با اینکه فعالیت‌هایش در حوزه مطبوعات همیشه در نوسان بوده‌است، فیلم‌سازی مهم‌ترین دغدغه اوست.

● توجه به سینمای بدنه

فریدون جیرانی برای نخستین‌بار با فیلم‌نامه‌نویسی فیلم سینمایی «آفتاب‌نشین‌ها» به کارگردانی مهدی صباغ‌زاده، دیگر سینماگر خراسانی، به‌طور جدی پا به عرصه سینما گذاشت. او برای صباغ‌زاده «سناتور» را هم نوشت که با استقبال مخاطبان و منتقدان روبه‌رو شد. فیلم‌نامه‌نویسی «گل‌های داوودی»، ساخته رسول صدرعاملی، از دیگر آثاری بود که او با نگارش آن جایگاه خود را به‌عنوان یک فیلم‌نامه‌نویس در سینما تثبیت کرد.

جیرانی بعد از تجربه‌های متعدد در سینما سال ۱۳۶۶ تصمیم گرفت پا به وادی کارگردانی بگذارد. «صعود»، نخستین فیلم جیرانی در مقام کارگردان است اما از آنجایی که این فیلم آن‌چنان که باید با اقبال روبه‌رو نشد، موجب شد این سینماگر به مدت ۱۰ سال روی صندلی کارگردانی هیچ فیلمی ننشیند و تنها برای نوشتن فیلم‌نامه دست به قلم شود. سال ۱۳۷۶ بود که این سینماگر خراسانی «قرمز» را ساخت و از آن به بعد به‌عنوان کارگردانی جدی در سینما حرفی برای گفتن داشت. «آب‌وآتش»، «شام آخر»، «صورتی»، «سالاد فصل»، سه‌گانه «ستاره‌ها»، «پارک‌وی»، «قصه پریا»، «من مادر هستم»، «خواب‌زده‌ها»، «خفه‌گی» و «آشفتگی» به ترتیب فیلم‌های سینمایی هستند که جیرانی برای تاثیرگذاری در جامعه، آن‌ها را در دو دهه اخیر ساخته است. بسیاری از منتقدان سینما بر این باورند که فریدون جیرانی به سینمای بدنه اهمیت می‌دهد. درواقع او به سینمایی توجه می‌کند که مخاطب را به سالن‌های سینمایی می‌کشاند و باعث رونق در چرخه تولید فیلم می‌شود. فیلم‌سازی او در این طبقه سینمایی همواره جنجال‌آفرین بوده و نام او را به‌عنوان یک کارگردان دارای شناخت از جامعه، مطرح کرده است.

جیرانی حتی در سریال‌سازی تلویزیون هم موثر ظاهر شده است. او با ساخت سریال «مرگ تدریجی یک رویا»، توقع از تولید سریال در تلویزیون را افزایش داد؛ اتفاقی که حتی خود او هم نتوانست در تجربه دوم سریال‌سازی‌اش، «تعبیر وارونه یک رویا»، برای تلویزیون تکرار کند، با این حال آخرین اثر او در سریال‌سازی، «نهنگ آبی» است که در شبکه نمایش خانگی پخش شد و مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرد.

● کارهای متفاوت

درکنار این‌ها، روحیه روزنامه‌نگاری فریدون جیرانی نیز دست از سر او برنداشته و باعث شده است «تصویر» را با کندوکاوهای روزنامه‌نگاری درهم بیامیزد، از همین‌رو او به ساخت برنامه‌های تحلیلی برای سینما مبادرت ورزیده است که سرآمد آن‌ها «هفت» است. سری نخست این برنامه که طراح و ایده‌پرداز خود جیرانی بود، از سال ۱۳۸۹ کار خود را در شبکه ۳ آغاز کرد و سال ۹۱ هم با کنار گذاشتن جیرانی از این برنامه، پایان یافت. با اینکه هم‌اکنون سری پنجم برنامه در غیاب جیرانی روی آنتن شبکه ۳ می‌رود، همه باور دارند که کار جیرانی متفاوت‌تر از تمام این سری‌های جدید است، از این‌رو «هفت» امروزی همچون گذشته، نتوانسته است اهالی سینما را با خود همراه کند. بعد از «هفت» این سینماگر خراسانی، درکنار تولیدات سینمایی‌اش، مجله تصویری «سی‌وپنج» را با همان ویژگی‌های برنامه «هفت» برای شبکه نمایش خانگی ساخت که ماهیانه توزیع می‌شد.

اکنون «کافه‌آپارات» نام مجله تصویری دیگری است که جیرانی بی‌پروا در آن به بررسی مسائل روز سینمای ایران می‌پردازد و هر هفته در آپارات به‌صورت زنده منتشر می‌شود. بازیگران، کارگردانان و سینماگران مطرحی به اعتبار جیرانی، پا به استودیوی این برنامه می‌گذارند و به‌صراحت درباره مسائل سینما سخن می‌گویند.

درنگ

نشان شوالیه بر سینه شهاب حسینی

پرافتخارترین بازیگر ایرانی بار دیگر در عرصه جهانی خوش درخشید

گروه هنر| شهاب حسینی که به‌تازگی با موضع‌گیری‌هایش درباره جشنواره فیلم فجر ۹۸ و مخالفت با تحریم مهم‌ترین رویداد سینمایی کشور برای حمایت از هنر و هنرمند خبرساز شده بود، بار دیگر با دریافت نشان شوالیه (بالاترین نشان افتخار) از کشور فرانسه نامش در صدر مهم‌ترین اخبار هنری قرار گرفت.

حسینی، یکی از پرافتخارترین و پرکارترین سینماگران ایرانی است که در کارنامه هنری او بیش از ۴۰ جایزه معتبر داخلی و خارجی به ثبت رسیده است. او با سریال «پس از باران» پا به عرصه بازیگری گذاشت و با نقش‌آفرینی در فیلم‌های سینمایی‌ای چون «شمعی در باد»، «حوض نقاشی»، «تعبیر خواب» و «دوران عاشقی» خوش درخشید و با بردن جوایز مهمی چون نخل طلای جشنواره کن برای بازی در فیلم «فروشنده» و خرس نقره‌ای جشنواره برلین برای بازی در فیلم «جدایی نادر از سیمین» در قامت یک بازیگر جهانی ظاهر شد.

شهاب حسینی که علاوه‌بر بازیگری تئاتر، تلویزیون و سینما در وادی کارگردانی، تهیه‌کنندگی، مجریگری و خوانندگی نیز حضور مؤثری داشته است، پنجشنبه (۸ اسفندماه) توانست نشان شوالیه هنر و ادب کشور فرانسه را که هرساله به خاطر خلاقیت در هنر به هنرمندان برگزیده از سوی کشور فرانسه اهدا می‌شود، از دستان فیلیپ تیه‌بو، سفیر فرانسه در تهران، دریافت کند. افتخاری که پیش از این بر سینه سینماگران مطرحی چون عباس کیارستمی (کارگردان و عکاس)، لیلا حاتمی (بازیگر)، پری صابری (کارگردان تئاتر و نمایشنامه‌نویس) و اصغر فرهادی (کارگردان) نشسته بود.

حسینی بعد از دریافت این جایزه در صحبت‌های کوتاهی ضمن قدردانی از وزارت فرهنگ‌وهنر فرانسه و سفیر این کشور در ایران که او را شایسته دریافت این مدال دانستند، گفت: «برای این شبِ زیبا، خدا را شکر می‌کنم. نام کشور فرانسه همیشه با هنر، ادبیات و فرهنگ عجین بوده است. من تاکنون ۲سفر به کشور فرانسه داشته‌ام و زیبایی‌های زیادی را دیده‌ام. همچنین خیلی خوش‌حالم که ۲خواهرزاده نیمه‌فرانسوی دارم و با مردم فرانسه خویشاوند هستم. علاقه‌مند به آثار نویسنده بزرگ فرانسوی، اریک امانوئل اشمیت، هستم و ۲متن ایشان را کار کرده‌ام. از وزارت فرهنگ فرانسه و جناب سفیر که بنده را مستحق و شایسته این مدال دانستند، تشکر می‌کنم. آرزوی من این است که بتوانم با عشقی که در هنر نهفته است، مردم جهان را به هم نزدیک‌تر و نزدیک‌تر کنم. هرچند سیاست علاقه‌مند به تفرقه و جدایی است، هنر می‌تواند باعث نزدیکی مردم جهان شود. امیدوارم با عنوان شوالیه بتوانم وظیفه هنری و انسانی خودم را انجام بدهم.»

رویداد

تمدید لغو رویدادهای هنری

اطلاعیه جدید وزارت ارشاد درباره تعطیلی برنامه‌های هنری و سینمایی کشور منتشر شد

بهزاد| هم‌زمان با شیوع ویروس کرونا در کشور بود که وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی در اطلاعیه‌ای اعلام کرد تمامی برنامه‌های فرهنگی، هنری و سینمایی در سراسر کشور تا تاریخ ۹اسفند تعطیل خواهد بود. حال با پایان این مهلت و باتوجه‌به شیوع گسترده ویروس کرونا در کشور، سایت وزارت فرهنگ‌وارشاد اسلامی در اطلاعیه جدید خود اعلام کرده است برنامه‌های فرهنگی و هنری برای یک هفته دیگر تعطیل خواهد بود. در متن اطلاعیه مرکز روابط عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، آمده است: «پیرو اطلاعیه مورخ سوم اسفندماه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و بنا به توصیه ستاد ملی مبارزه با کرونا مبنی‌بر عدم برگزاری اجتماعات غیرالزامی و لزوم رعایت توصیه‌های اکید پزشکی و بهداشتی، بدین‌وسیله ضمن قدردانی از همراهی شایسته فعالان و صنوف مرتبط در این خصوص، اعلام می‌دارد تعطیلی تمامی برنامه‌های فرهنگی، هنری و سینمایی سراسر کشور به مدت یک هفته دیگر تا تاریخ ۹۸/۱۲/۱۶ تمدید می‌شود. لازم به ذکر است نحوه ادامه برنامه‌ها پس از این تاریخ، مطابق شیوه‌نامه‌ای خواهد بود که با همکاری و پیشنهاد صنوف تخصصی، تهیه و اطلاع‌رسانی می‌شود.»

پیرو این اطلاعیه، خانه سینما نیز به گروه‌های فیلم‌سازی پیشنهاد داده است در شرایط فعلی که با شیوع دامنه‌دار بیماری روبه‌رو هستیم، گروه‌هایی که در مرحله پیش‌تولید یا فیلم‌برداری هستند، به‌طور موقت از فعالیت خودداری کنند. خانه سینما همچنین در اطلاعیه خود تاکید کرده است این پیشنهاد از سوی خانه سینما فاقد الزامات قانونی است، اما می‌تواند در حد هشداری به تهیه‌کنندگان برای پیشگیری از این بیماری فراگیر و تبدیل آن به بحرانی عمومی در صنعت تصویر ایران، تلقی شود. به این ترتیب می‌توان گفت سال نو سینمای ایران که همواره بعد از جشنواره فیلم فجر آغاز می‌شود، با مشکل اساسی هم در تولید و هم در نمایش فیلم‌ها روبه‌رو شده است؛ مشکلاتی که می‌تواند بسیاری را متضرر کند.